

اثرات سیاست یکسان سازی نرخ ارز

شکوه سادات علی اکبری

مقدمه

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۸۱، به منظور اصلاح نظام اداری کشور اقدام به اجرای سیاست یکسان سازی نرخ ارز کرد و به نظام ارزی شناور مدیریت شده روی آورد. از طرف دیگر، با ایجاد بازار ارز بین بانکی، به توسعه بازار ارز و نهادینه کردن عملیات ارزی نیز پرداخت. همه این اقدامات به منظور افزایش رشد اقتصادی و کاهش بیکاری صورت گرفت و هدف این بود که شرایط رقابت برای کلیه فعالان اقتصادی فراهم آید و تولید ملی افزایش یابد و در نهایت سطح رفاه عمومی بالا برود. اما دست یافتن به این اهداف نیازمند اقدامات همزمان اصلاحی در بخش‌های گوناگون اقتصادی بود و می‌بایست بسترهای مناسب و شرایط اقتصادی لازم فراهم می‌شد تا اجرای این سیاست با موفقیت نسبی همراه باشد.

اینک به منظور بررسی نقاط ضعف و قوت این سیاست، به بررسی آثار آن می‌پردازیم. هرچند که این دوره زمانی برای اتخاذ نتیجه گیری‌های کلی، کوتاه است، ولی باتداوم این سیاست‌ها و رفع کاستی‌ها و تنگناهای موجود می‌توان به موفقیت این سیاست امیدوار بود. به طور کلی، اجرای سیاست یکسان سازی نرخ ارز، پس از طی فرازونشیب‌های گوناگون طی دوره زمانی کوتاه اعمال آن، بر پیامدهای مثبت این اقدام در ابعاد مختلف دلالت دارد و این مقاله تلاش دارد تا به بررسی آن بپردازد. بنابراین، در بخش اول مقاله مروری کوتاه بر چگونگی نظام نرخ ارز شناور هدایت شده در قالب تئوریک خواهیم داشت و در بخش بعدی به بررسی آثار سیاست یکسان سازی نرخ ارز بر متغیرهای کلان اقتصادی می‌پردازیم و از جمله تغییراتی که در وضعیت مالی دولت به وجود آمده، مورد بحث قرار می‌گیرد. آنگاه پس از ارایه خلاصه و

نتیجه گیری، چند راهکار اجرایی پیشنهاد می‌شود.

نظام ارزی شناور هدایت شده*

در نظام نرخ ارز شناور هدایت شده، نرخ‌ها به طور عمده توسط شرایط عرضه و تقاضا تعیین می‌شوند و بانک مرکزی بر حسب ضرورت به منظور ثبات بخشیدن به نرخ ارز و هدایت آن در یک مسیر خاص، در بازار مداخله می‌کند. از ویژگی‌های این بازار می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- بانک مرکزی در زمان افزایش ارزش پول ملی، از این بازار، ارز خریداری می‌کند و در زمان کاهش ارزش پول ملی، به این بازار ارز می‌فروشد.

- بانک مرکزی نرخ ارز را مظنه زده و از آن حمایت می‌کند و در صورت بروز نوسانات در این بازار، به دفعات آن را تغییر می‌دهد.



سیاست یکسان سازی نرخ ارز باید با سیاست‌های پولی و مالی مناسب و اصلاحات ساختاری متناسب با اهداف کلان اقتصادی همراه باشد.



- علاوه بر دخالت بانک مرکزی در این بازار، ذخایر بین‌المللی ارز از اهمیت بسزایی برخوردار است. به عبارت دیگر، یک کشور برای اجرای این سیاست باید ذخایر ارزی کافی داشته باشد.

- انعطاف پذیری این نظام به قدرت سازوکار "تعدیل" نظام ارزی کمک می‌کند تا سازوکارهای مذکور به طور معقولی، کارآ باشند. اما در صورت نوسانات کوتاه مدت ممکن است که کارایی سازوکار "تعدیل" زیر علامت سوال رود.

منافع و آثار سیاست یکسان سازی نرخ ارز

همواره در حرکت از نظام چندنرخ ارز به نظام یکسان نرخ ارز، دشواری‌ها و مشکلاتی از لحاظ عملکرد اقتصادی به وجود می‌آید، اما اگر بستر سازی مناسب به منظور ایجاد شرایط رقابتی یکسان در کلیه بخش‌ها صورت گیرد، می‌تواند اهداف رشد و توسعه اقتصادی را دنبال نماید. بر این اساس، منافع حاصل از یکسان سازی نرخ ارز به شرح زیر خواهد بود:

- حذف بی‌نظمی‌های نامطلوب در سیستم نرخ ارز چندگانه.

- تقویت و افزایش کارایی در بازار ارز.

- ایجاد و بهبود شرایط رقابتی در بخش خصوصی و دولتی.

- استقرار یک سیستم مقرراتی و سازوکار جدید برای همه مصرف‌کنندگان ارز.

- حذف بی‌نظمی‌های ناشی از فعالیت‌های بازارهای غیررسمی ارز در خارج از مرزها.

- بالا رفتن کارایی و بهبود در بخش‌های مختلف تولید، توزیع و خدمات بانکی.

به این ترتیب، اجرای سیاست یکسان سازی نرخ ارز باید همراه با اجرای سیاست‌های پولی و مالی مناسب و اصلاحات ساختاری متناسب با اهداف کلان اقتصادی صورت گیرد.

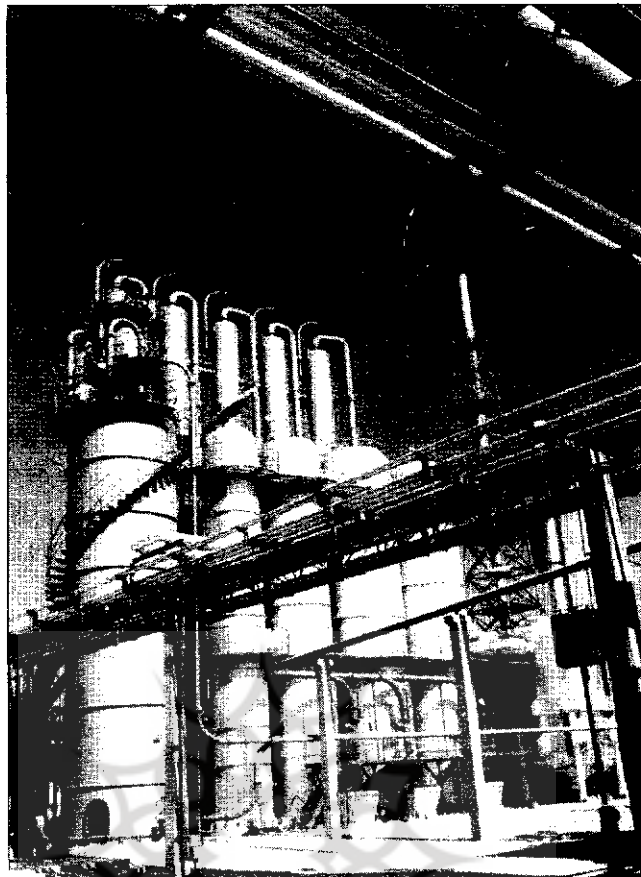
پیامدهای سیاست یکسان سازی نرخ ارز، تجربه جدید

همانطور که اشاره شد، از ابتدای سال ۱۳۸۱، بانک مرکزی ایران، سیاست یکسان سازی نرخ ارز را به اجرا درآورد و به منظور نهادینه کردن عملیات ارزی و گسترش بازار ارز، اقدام به ایجاد بازار ارز بین بانکی

* Managed Floating Exchange Rate.

افزایش نرخ تورم در سال ۱۳۸۱ عمدتاً ناشی از اثرات تاخیری رشد بالای نقدینگی در سال‌های ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰ می‌باشد. علاوه بر این، بالا بودن نرخ تورم نشان می‌دهد که دولت در بکارگیری ابزار اوراق مشارکت بانک مرکزی در کاهش کسری بودجه به اندازه کافی موفق نبوده و پیش‌بینی می‌شود که نرخ تورم در کل سال ۱۳۸۲ مجدداً افزایش یافته باشد.

نرخ بیکاری طی سال‌های ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۱ به ترتیب ۱۴/۳، ۱۴/۸ و ۱۵/۹ درصد بوده است و نشان می‌دهد که علیرغم اعمال سیاست‌های اشتغال‌زایی، از جمله اعطای تسهیلات تکلیفی، تخصیص مبالغی به صورت وجوه اداره‌شده به منظور اجرای طرح‌های تولیدی به بانک‌های عامل و اعطای وام‌های یانکی بدون بهره مطابق قانون برنامه سوم، کماکان نرخ بیکاری در حال افزایش بوده است. در سال ۱۳۸۱، اشتغال ایجادشده در بخش صنعت و معدن ناشی از بهره‌برداری از طرح‌های در دست ساخت و طرح صنایع کوچک افزایش یافت، به طوری که از ۱۳۷ هزار



▲ فروش اوراق مشارکت طرح‌های عمرانی به عنوان ابزاری در جهت کاهش کسری بودجه دولت، به اندازه کافی موثر نبود، ولی...

نفر در سال ۱۳۸۰، به ۱۹۲ نفر در سال ۱۳۸۱ رسید که چیزی حدود ۴۰ درصد افزایش را نشان می‌دهد.* تعداد واحدهای جدیدالتأسیس در بخش صنعت و معدن نیز در سال ۱۳۸۱ افزایش یافت و از ۱۷ هزار جواز صادرشده در سال ۱۳۸۰، به ۲۷ هزار جواز رسید که حدود ۵۹ درصد افزایش یافته است و میزان سرمایه‌گذاری انجام‌شده در این زمینه هم از ۱۶۴,۲۸۸ میلیارد ریال در سال ۱۳۸۰، به ۲۶۹,۲۷۷ میلیارد ریال در سال ۱۳۸۱ افزایش یافت که نزدیک به ۶۴ درصد افزایش را نشان می‌دهد (جدول شماره دو).

بهره‌برداری از واحدهای جدید صنعتی نیز در سال ۱۳۸۱ افزایش یافت، به طوری که تعداد پروانه‌های صادرشده در این زمینه به بیش از چهار هزار فقره رسید و سرمایه‌گذاری در این زمینه نیز

درصد در سال ۱۳۸۰، به ۱۵/۸ درصد در سال ۱۳۸۱ رسیده و در پنج ماه اول سال ۱۳۸۲ نیز به ۱۶/۸ درصد افزایش یافته است (جدول شماره یک). از جمله عوامل موثر بر رشد نقدینگی می‌توان به سهم قابل توجه خالص دارایی‌های خارجی اشاره کرد.

نمود. اینک به منظور بررسی آثار سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز از چند متغیر اقتصاد کلان استفاده می‌شود. این شاخص‌ها عبارتند از رشد تولید ناخالص داخلی، نرخ تورم، نسبت کسری بودجه دولت به تولید ناخالص داخلی، رشد نقدینگی و نرخ بیکاری.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که اعمال سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز در کشور با رشد GDP توأم بوده است. متوسط رشد تولید ناخالص داخلی در سال ۱۳۷۹ معادل ۵/۹ درصد، در سال ۱۳۸۰ معادل ۴/۸ درصد و در سال ۱۳۸۱ معادل ۶/۵ بوده است. این نرخ در شش ماه اول سال ۱۳۸۲ حدود هفت درصد بوده است (جدول شماره یک). تفاوت نرخ رشد GDP در سال‌های ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱ از نظر آماری معنی‌دار بوده و نشان می‌دهد که در اثر اجرای سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز، رشد اقتصادی بالا رفته است.

رشد نقدینگی طی سال‌های ۱۳۷۹، ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱ بسیار بالا بوده و بین ارقام این شاخص، یعنی ۲۹/۳، ۲۸/۸ و ۳۰/۱ درصد تفاوت چشمگیری مشاهده

نمی‌شود و این نشان می‌دهد که اجرای سیاست نرخ ارز یکسان اثر چندان شدیدی بر رشد نقدینگی نداشته است. در عین حال رشد نقدینگی، افزایش کسری بودجه و بالا رفتن انتظارات تورمی، منجر به افزایش نرخ تورم شده، به طوری که از ۱۱/۴

جدول شماره یک

درصد تغییرات بعضی از شاخص‌های اقتصادی قبل و بعد از سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز

سال	رشد GDP	نرخ تورم	رشد نقدینگی	کسری بودجه دولت نسبت به GDP	نرخ بیکاری*
۱۳۷۹	۵/۹	۱۲/۶	۲۹/۳	۷/۰	۱۴/۳
۱۳۸۰	۴/۸	۱۱/۴	۲۸/۸	۸/۲	۱۴/۸
۱۳۸۱	۶/۵	۱۵/۸	۳۰/۱	۹/۷	۱۵/۹
۱۳۸۲	شش ماه اول ۷	پنج ماه اول ۱۶/۸	۳۷/۶**	—	۱۶/۱

* این آمار از ماهنامه اقتصاد ایران / شماره ۵۶ / مهر ۱۳۸۲ نقل شده است.

** پیش‌بینی واحد تحقیقات اقتصاد ایران

منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران / ناگرهای اقتصادی / سال‌های مختلف.

* آمار وزارت صنایع و معادن / نقل از ماهنامه اقتصاد ایران / شماره ۵۴ / مرداد ۱۳۸۲.

جدول شماره دو

مقایسه تغییرات ارقام بعضی از شاخص‌های اقتصادی طی سال‌های قبل و بعد از اعمال سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز

سال	تاسیس واحدهای صنعتی و معدنی جدید		بهره‌برداری از واحدهای صنعتی جدید	
	تعداد جواز (فقره)	سرمایه‌گذاری (میلیارد ریال)	تعداد پروانه	سرمایه‌گذاری (میلیارد ریال)
۱۳۷۹	۹,۰۸۷	۶۷,۵۷۸	۳,۲۶۴	۶,۴۶۲
۱۳۸۰	۱۷,۰۹۸	۱۶۴,۲۸۸	۳,۵۵۰	۱۳,۰۲۳
۱۳۸۱	۲۷,۱۰۱	۲۶۹,۲۷۷	۴,۱۴۷	۱۸,۰۵۹

منبع: نماگرهای اقتصادی / بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران / سال‌های مختلف.

این امر باعث شد که در سال ۱۳۸۱ حساب ذخیره تعهدات ارزی دارای افزایش در مانده باشد. دولت در سال ۱۳۸۱ اجازه داشت که ۴/۶ میلیارد دلار از منابع حساب ذخیره ارزی برداشت نماید که ۲/۵ میلیارد دلار آن بابت بازپرداخت تعهدات خارجی دولت بود.

در جدول شماره چهار گروهی دیگر از متغیرهای مالی دولت نشان داده می‌شود. متغیر واگذاری دارایی‌های مالی دولت در سال ۱۳۸۱ به شدت بالا رفته است و از رقم ۳,۳۸۰ میلیارد ریال در سال ۱۳۸۰، به ۲۰,۳۵۳ میلیارد ریال در سال ۱۳۸۱

رسیده است که رشدی معادل ۵۰۲ درصد را نشان می‌دهد. این جدول نشان می‌دهد که دولت برای جبران بدهی‌های خود در درجه اول به حساب ذخیره ارزی و پس از آن به واگذاری شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی روی آورده و بخشی از کسری بودجه خود را تامین کرده است. میزان واگذاری دارایی‌های مالی به شرکت‌های خصوصی در سال ۱۳۸۱ حدود ۸,۳۶۴ میلیارد ریال بوده که نسبت به سال ۱۳۸۰ که در سطح رقم ناچیز ۹۳/۴ میلیارد ریال بوده، افزایش چشمگیری داشته است (جدول شماره چهار). بخش دیگری از کسری بودجه دولت هم از طریق فروش اوراق مشارکت طرح‌های عمرانی جبران شده و به‌این

سرفصل پرداخت‌های هزینه‌ای (معادل پرداخت‌های جاری) و تملک دارایی‌های سرمایه‌ای (معادل پرداخت‌های عمرانی) تقسیم شده است. در نتیجه، تراز عملیاتی از مابه‌التفاوت درآمدها و پرداخت‌های هزینه‌ای به دست آمده و خالص واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای نیز از جمع جبری واگذاری و تملک دارایی‌های سرمایه‌ای حاصل می‌شود. بر این اساس "تراز عملیاتی و سرمایه‌ای" تماماً از محل "خالص واگذاری دارایی‌های مالی" تامین می‌شود.

بر اساس مفاد قانون برنامه سوم توسعه، بانک مرکزی مکلف شد که بخشی از درآمدهای ارزی حاصل از صدور نفت را به حساب ذخیره ارزی واریز نماید و

به ۱۸ هزار میلیارد ریال بالغ شد (جدول شماره دو). اطلاعات موجود در جدول شماره سه، وضع مالی دولت را طی سال‌های ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۱ نشان می‌دهد. در سال ۱۳۸۱، ترکیب درآمدهای دولت در مقایسه با سال‌های ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰ تا حدودی تغییر کرد. قانون بودجه سال ۱۳۸۱ برای اولین بار براساس آخرین دستورالعمل صندوق بین‌المللی پول در مورد آمار مالی دولت تنظیم شده است. بر این اساس، درآمدها شامل مالیات‌ها و سایر درآمدها می‌باشد و فروش نفت که قبلاً در بخش درآمدها طبقه‌بندی می‌شد، به ردیف واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای منتقل شده است. همچنین، در این طبقه‌بندی پرداخت‌های دولت به دو

جدول شماره سه

وضع مالی دولت طی سال‌های ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۱

(میلیارد ریال)

سال	درآمدها (مالیات‌ها و سایر)	پرداخت‌های هزینه‌ای (جاری)	تراز عملیاتی (کسری بودجه)	واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای (درآمد نفت و سایر)	تملک دارایی‌های سرمایه‌ای (پرداخت‌های عمرانی)	خالص واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای
۱۳۷۹	۴۵/۱	۸۵/۸	-۴۰/۷	۵۹/۵	۲۳/۶	۲۵/۹
۱۳۸۰	۵۰/۵	۱۰۴/۷	-۵۴/۲	۷۴/۹	۲۴/۱	۵۰/۹
۱۳۸۱	۶۱/۹	۱۴۸/۳	-۸۶/۴	۱۰۳/۲	۳۷/۳	۶۶/۰
۱۳۸۲ (مصوب)	۲۰۴/۳	۲۸۵/۷	-۸۱/۴	۱۲۷/۰	۸۵/۳	۴۱/۸

جدول شماره چهار

مقایسه تغییر ارقام متغیرهای مالی دولت طی سال‌های قبل و بعد از سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز

(میلیارد ریال)

تغییر در مانده حساب تعهدات ارزی*	واگذاری دارایی‌های مالی						تراز عملیاتی سرمایه‌ای	سال
	سایر	واگذاری شرکت‌های دولتی	استفاده از حساب ذخیره ارزی	برگشتی از سال‌های گذشته	استفاده از تسهیلات خارجی	فروش اوراق مشارکت		
۱,۷۸۰/۴	۱,۲۵۴/۱	-۰/۲	—	۱۲۸۷/۲	۱۷۵	۲,۰۴۹/۸	۴,۷۶۶	۱۳۷۹
۱,۳۴۷/۶	۱۴۶/۵	۹۳/۴	—	۶۱۵/۸	۲۲۸/۹	۲,۳۰۵/۳	۳,۳۸۰	۱۳۸۰
-۲۱۵/۲	۱۸۵/۰	۸,۳۶۴/۰	۳۵,۸۷۶	۷۸۴/۰	۲۸۴/۱	۲,۴۹۸/۱	۲۰,۳۵۳	۱۳۸۱

* علامت منفی ارقام این ستون به مفهوم افزایش در مانده و علامت مثبت به مفهوم کاهش در مانده حساب ذخیره تعهدات ارزی می‌باشد.

منبع: نماگرهای اقتصادی / بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران / سال ۱۳۸۱.

ترتیب، تامین کسری بودجه از طریق استقراض از بانک مرکزی بسیار محدود شده است و این امر تا حدودی از شدت آثار تورمی اجرای سیاست یکسان سازی نرخ ارز کاسته است.

یکی دیگر از آثار مثبت سیاست یکسان سازی نرخ ارز، تشکیل حساب ذخیره ارزی به منظور مقابله با شوک‌های قیمتی منفی نفت بوده که در سال ۱۳۸۱ با افزایش مانده‌های حدود ۲۱۵ میلیارد ریال مواجه شد که نسبت به سال ۱۳۸۰ بسیار چشمگیر بود (جدول شماره چهار).

تفاوت نرخ رشد GDP در سال‌های ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱ نشان می‌دهد که در اثر اجرای سیاست یکسان سازی نرخ ارز، رشد اقتصادی بالا رفته است.

در بخش تجارت خارجی ملاحظه می‌شود که صادرات غیرنفتی کشور از روند سهل‌تری نسبت به سال‌های ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰ برخوردار شد، به طوری که ارزش صادرات غیرنفتی در سال ۱۳۸۱ و واردات کل کشور به ترتیب ۱۸ و ۳۱ درصد افزایش یافت و به ۵/۴ و ۲۳/۸ میلیارد دلار بالغ شد و در نتیجه، تراز بازرگانی با احتساب صادرات نفتی از ۴/۴ میلیارد دلار مازاد برخوردار گردید (جدول شماره پنج).

جدول شماره پنج

وضعیت تجارت خارجی کشور طی سال‌های ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۱

(میلیون دلار)

سال	صادرات		واردات (CIF)	تراز بازرگانی	تراز حساب جاری
	نفت و گاز	غیرنفتی			
۱۳۷۹	۲۳،۲۸۰	۳،۱۸۱	۱۵،۰۸۶	۱۳،۲۷۵	۱۲،۵۰۰
۱۳۸۰	۱۹،۳۳۹	۴،۵۶۵	۱۸،۱۲۹	۵،۲۷۵	۵،۹۸۵
۱۳۸۱	۲۲،۸۰۷	۵،۳۷۹	۲۳،۷۸۶	۴،۴۰۰	۳،۷۳۱

منبع: نماگرهای اقتصادی / بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران / سال ۱۳۸۱.

خلاصه و نتیجه گیری

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران از ابتدای سال ۱۳۸۱ به طور همزمان اقدام به یکسان سازی نرخ ارز و تغییر نظام ارزی از تثبیت به شناور مدیریت شده و نیز ایجاد بازار ارز بین بانکی نمود و به منظور اجرای موفقیت آمیز این سیاست، بستر سازی مناسب برای خروج از نظام چندگانه ارزی صورت

گرفت که از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: تشکیل بازار ارز رسمی، حذف نرخ ارز صادراتی، کاهش تعداد اقلام وارداتی با ارز شناور و... در آخر تشکیل بازار لوز بین بانکی و سمت دادن کلیه معاملات ارزی مجاز به سوی این بازار رسمی.

در بررسی اثرات مثبت سیاست یکسان سازی نرخ ارز نتایج زیر حاصل می‌شود:

- افزایش نرخ رشد GDP.

- افزایش تشکیل سرمایه ثابت ناخالص.

- ایجاد مازاد در سطح ذخایر ارزی.

- افزایش اشتغال در بخش صنعت و معدن.

- افزایش میزان سرمایه گذاری برای تاسیس واحدهای جدید صنعتی و معدنی.

- جبران بخشی از کسری بودجه دولت از طریق فروش اوراق مشارکت به جای استقراض از بانک مرکزی.

- افزایش واگذاری دارایی‌های مالی دولت به بخش خصوصی.

- افزایش صادرات غیرنفتی به علت حذف پیمان ارزی و معافیت صادرات از مالیات و عوارض.

- توسعه بازار پول از طریق گسترش بانک‌ها و موسسات مالی خصوصی.

- توسعه بازار سرمایه از طریق افزایش حجم معاملات اوراق بهادار.

- افزایش تسهیلات اعطایی از محل حساب ذخیره ارزی به منظور کاهش بیکاری.

- افزایش صادرات غیرنفتی به علت حذف پیمان ارزی و معافیت صادرات از مالیات و عوارض.

- توسعه بازار پول از طریق گسترش بانک‌ها و موسسات مالی خصوصی.

- توسعه بازار سرمایه از طریق افزایش حجم معاملات اوراق بهادار.

- افزایش تسهیلات اعطایی از محل حساب ذخیره ارزی به منظور کاهش بیکاری.

- اجرای سیاست‌های پولی و مالی انقباضی. در بررسی اثرات منفی اجرای سیاست یکسان سازی نرخ ارز، همانطور که قابل پیش بینی بود، کشور با افزایش نرخ تورم مواجه شد و اعمال سیاست‌های پولی و مالی انقباضی از سوی دولت برای مقابله با این معضل موثر واقع نشد، هرچند که از شدت آن کاست. به طور مثال، فروش اوراق مشارکت طرح‌های عمرانی به عنوان ابزاری در جهت کاهش کسری بودجه دولت به اندازه کافی موثر نبود، ولی تا حدودی از شدت رشد نقدینگی و افزایش فوق‌العاده پایه پولی جلوگیری کرد. معضل دیگر بیکاری است که علیرغم اجرای سیاست‌های اشتغال‌زایی در سال ۱۳۸۱ از قبیل اعطای تسهیلات تکلیفی، اعطای وجه اداره شده به واحدهای تولیدی و اعطای وام‌های بدون بهره به منظور ایجاد فرصت‌های شغلی جدید، به شدت خود باقی مانده است.

راهکارهای اجرایی موثر

- کاهش موانع غیر تعرفه‌ای در بخش تجارت خارجی.

- کاهش نرخ ریسک سرمایه گذاری خارجی از طریق گفتگو در مجامع بین‌المللی به منظور جذب سرمایه گذاری خارجی.

- استقلال بانک مرکزی به منظور اجرای سیاست‌های مناسب پولی در جهت مهار تورم.

- اجتناب از تصمیم‌گیری‌های نادرست و ناگهانی و دخالت‌های بی‌مورد دولت در بازارهای بورس اوراق بهادار و سایر بازارها.

- ایجاد بازار بورس کالا از قبیل بازار بورس فلزات.

- افزایش نرخ سود اوراق مشارکت طرح‌های عمرانی.

- حذف تدریجی یارانه‌ها.

- افزایش فعالیت بخش خصوصی که موجب افزایش اشتغال و رفع بیکاری می‌شود.

- کاهش بدلهای خارجی و تغییر ترکیب بدهی‌ها از بدهی‌های کوتاه مدت به طرف بدهی‌های بلندمدت.

- تشویق صادرکنندگان کالاها غیرنفتی به منظور افزایش صادرات کالا.

- توسعه بخش خدمات (بانکداری و بیمه) از طریق بسالابردن سطح اطلاعات و فن‌آوری و فراهم آوردن امکانات صدور آن.